

## تبیین شاخص‌های دانشگاه نسل سوم و بررسی دستیابی نظام آموزش عالی به آنها؛ مورد: دانشگاه شهید باهنر کرمان<sup>۱</sup>

زهره میرزایی<sup>۲</sup>، اصغر سلطانی<sup>۳</sup> و حسین مطهری‌نژاد<sup>۴</sup>

### چکیده

از جمله زمینه‌های توسعه در آموزش عالی حرکت به سمت بهره‌مندی از نظام‌های دانشگاهی با ویژگی‌های نسل سوم است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین شاخص‌های دانشگاه نسل سوم و بررسی میزان دستیابی دانشگاه شهید باهنر کرمان به این شاخص‌ها از دیدگاه مدیران دانشگاه و اعضای هیئت علمی بود. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی، از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی و طرح آن نیز پیمایشی (زمینه‌یابی) با روش مصاحبه بود. جامعه آماری شامل همه اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه شهید باهنر کرمان (۶۳۹ نفر) بود که ۱۵ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مقوله‌بندی استفاده شد. نتایج نشان داد که پنج شاخص اصلی دانشگاه نسل سوم شامل مهارت‌آموزی، کارآفرینی، استقلال همه‌جانبه، تعامل دانشگاه با جامعه و خلاقیت و ایده‌پردازی است. همچنین دانشگاه برای دستیابی به این شاخص‌ها نیازمند توجه به زمینه‌سازی برای نهادینه شدن تفکر کارآفرینی، استقلال سیاسی و اقتصادی دانشگاه، ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش فرصت‌های مطالعاتی و به‌روزرسانی است. نتایج نشان داد که هیچ‌کدام از ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم به‌صورت کامل در دانشگاه شهید باهنر کرمان وجود ندارد و این دانشگاه هنوز در نسل اول (آموزش‌محور) یا در مرحله گذار به نسل دوم دانشگاهی (پژوهش‌محور) قرار دارد و در برخی از شاخص‌ها از جمله ویژگی دانشگاه وابسته به شبکه(نت) و تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای تا حدودی در حال نزدیک شدن به دانشگاه نسل سوم و در سایر شاخص‌ها از جمله استقلال، بهره‌برداری از دانش و بین‌المللی بودن ضعیف است.

**کلید واژگان:** دانشگاه نسل سوم، دانشگاه کارآفرین، بین‌المللی‌سازی، استقلال دانشگاه، آموزش عالی ایران.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی در دانشگاه شهید باهنر کرمان است.
  ۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران: zohre.mirzaei071@gmail.com
  ۳. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.  
\* نویسنده مسئول: a.soltani.edu@uk.ac.ir
  ۴. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران: hmotahari@uk.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۲  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۷

## مقدمه

در برنامه‌های توسعه جوامع مختلف بر جهت‌گیری سیاست‌ها و فعالیت‌های دانشگاه‌ها برای رفع مشکلات کشور تأکید شده است. بر این اساس، توسعه و نوسازی نظام‌های دانشگاهی از اهداف مهم نظام آموزش عالی است. از جمله مؤلفه‌های اساسی برای گسترش و توسعه مؤسسه‌های دانشگاهی از بُعد کمی و کیفی، زمینه‌سازی برای رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم<sup>۵</sup> است (Habibi Rezaei & Siahmansouri, 2012). این نسل دانشگاهی واجد ویژگی‌هایی است که با بهره‌گیری از آن، مسیر رسیدن جامعه به توسعه هموارتر می‌شود. در بسیاری از نظام‌های آموزش عالی در جوامع توسعه یافته یا در حال توسعه، دانشگاه‌ها به‌منظور همسویی هر چه بیشتر با فرایند توسعه اقتصادی بومی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به تغییر نقش سنتی خود، که صرفاً آموزش و تولید دانش است، به سمت دانشگاه‌های نسل سوم در حرکت هستند که افزون بر آموزش، تولید دانش و خلق ایده‌ها آن را به عمل نیز تبدیل می‌کنند (Mian, 2006). بنابراین، ایده برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای از طریق توسعه دانش محور مأموریت‌های جدیدی را برای دانشگاه‌ها ترسیم کرده است (Etzkowitz, 2003).

در حالی که حوزه فعالیت در دانشگاه نسل اول و دوم بازار محلی است و دیگر دانشگاه‌ها به‌عنوان همکار در نظر گرفته می‌شوند، حوزه فعالیت در دانشگاه نسل سوم گسترده‌تر شده است و بازار منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. در این بازار به سایر دانشگاه‌ها به‌عنوان رقیب نگریده می‌شود. دانشگاه‌های نسل اول و دوم مؤسساتی تقریباً مجزا و بدون پیوند رسمی با سازمان‌های دیگر هستند، اما دانشگاه‌های نسل سوم دانشگاه‌هایی باز هستند که با بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فناوری دیگر همکاری، تبادل و رقابت دارند. در دانشگاه‌های نسل دوم پژوهش‌های یکپارچه دیسیپلینی در رشته‌های مجزا و در دانشکده‌های جدا از هم انجام می‌شود، در حالی که در دانشگاه نسل سوم پژوهش‌ها عمدتاً فرارشته‌ای یا میان‌رشته‌ای است. در دانشگاه نسل اول و دوم تأمین مالی عمدتاً بر عهده دولت‌هاست، اما دانشگاه نسل سوم در جنبه‌های مالی، مدیریتی، سیاستگذاری و برنامه درسی استقلال دارد (Wissema, 2009; Enayati & Aalipour, 2014).

عمده پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده درخصوص شاخص‌های دانشگاه نسل سوم مبتنی بر ویژگی بهره‌برداری از دانش است که در کنار شاخص کارآفرینانه<sup>۶</sup> بودن فعالیت‌های دانشگاهی، به میزان بیشتری در پژوهش‌ها به آنها توجه شده است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر ویژگی کاربست دانش و کارآفرینی، شاخص‌های مهم دیگری نیز وجود دارند که از پیش‌بایست‌های اساسی شکل‌گیری دانشگاه نسل سوم به‌شمار می‌روند. درواقع، اگر چه مأموریت کانونی دانشگاه نسل سوم کارآفرینی و کمک به حل مسائل جامعه با رویکرد علمی، نظام‌یافته و در تعامل با محیط بیرونی است (Mehdi, 2015)،

5. Third Generation University

6. Entrepreneurial

رسیدن دانشگاه به این مأموریت مهم مستلزم برخورداری از برخی ویژگی‌ها و شاخص‌های دیگری است که بدون دستیابی به آنها شکل‌گیری دانشگاه با هدف‌گذاری کارآفرینانه تقریباً ناممکن است. استقلال همه‌جانبه، بین‌المللی شدن در زمینه‌های مهمی مانند برنامه‌های درسی و زبان آموزش، تلاش برای رقابت و گسترش بین‌المللی، اجرای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، گسترش زیرساخت‌های آموزش مجازی و مبتنی بر شبکه و حرکت به سمت برخورداری از ویژگی‌های چندفرهنگی از جمله مهم‌ترین این پیش‌بایست‌هاست (Wissema, 2009; Gibb et al., 2013; Moore, 2004).

در این میان، این سؤال مطرح می‌شود که دانشگاه‌های فعال در نظام آموزش عالی کشور تا چه اندازه از این ویژگی‌ها برخوردارند و برای رسیدن به این شاخص‌ها چه راهکارهایی را باید به کار گیرند؟ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر علاوه بر تبیین ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم، بررسی میزان دستیابی دانشگاه شهید باهنر کرمان، به‌عنوان بزرگ‌ترین دانشگاه جامع جنوب شرق کشور، به این شاخص‌ها و ارائه راهکارهایی برای زمینه‌سازی قرارگیری سریع‌تر در مسیر دستیابی به ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم بود.

### مبانی نظری پژوهش

عمده تحلیل‌های نظری درخصوص نسل‌های دانشگاهی به برخی از پژوهشگران حوزه آموزش عالی مربوط می‌شود که تمرکز اصلی آنان در قلمرو چگونگی شکل‌گیری و تکوین دانشگاه‌ها در چند سده گذشته، تحولات و شاخص‌های برجسته این دانشگاه‌ها بوده است (Wissema, 2009; Gibb, Haskins & Robertson, 2013; Pawlowski, 2009). با این حال، باید این موضوع را در نظر داشت که مسئله بررسی نسل‌های دانشگاهی اصولاً بحث بررسی آنها بر اساس یک توالی خطی نیست. درواقع، مسئله این نیست که برای مثال، آموزش باید مقدم بر پژوهش باشد یا کارآفرین بودن دانشگاه بر مأموریت آموزش و پژوهش دانشگاه برتری دارد، بلکه لازم است این موضوع در پیوند ارگانیک با متن حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه و آینده‌اندیشی برای دانشگاه در زمینه اجتماعی یک کشور در نظر گرفته شود (Desk of Future Studies in Iranian Higher Education, 2018).

بررسی سیر شکل‌گیری و تحول نهاد دانشگاه نشان می‌دهد که دگردیسی نظام‌مند آن از نسل اول به نسل‌های بالاتر طی فرایندی حلزونی رخ داده است. بر این اساس، برخورداری از قابلیت‌های جدید نه تنها موجب بروز کاستی در تأکید کمی و کیفی در آموزش دانشگاهی نشده، بلکه به‌عنوان ضرورت و در روندی پویا و هدفمند ترغیب و تقویت شده است (Enayati & Aalipour, 2014). طی این فرایند، قابلیت‌هایی مانند تولید دانش و کاربردی‌ترین دانش به قابلیت‌های پیشین دانشگاه؛ یعنی آموزش اضافه شد. دانشگاه‌ها در مراحل اولیه شکل‌گیری خود برای مدتی طولانی فقط به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پرداختند. بعدها با وقوع دو انقلاب علمی مهم از توجه صرف به آموزش و پژوهش عهده‌دار مأموریت‌های دیگری شدند. طی انقلاب اول و با ظهور تحقیقات پایه در دانشگاه‌های سنتی (آموزش‌محور و نسل پایه)،

نسل اول دانشگاه‌ها ایجاد شد. طی انقلاب دوم که به ظهور تحقیقات کاربردی منجر شد، دانشگاه‌های نسل دوم شکل گرفتند و در نهایت، با وقوع انقلاب سوم به دانشگاه نسل سوم بدل شدند. رسالت محوری نسل اول آموزش عالی تمرکز بر آموزش، دانش آکادمیک و آن چیزی است که وایزما (Wissema, 2009) آن را پاسداشت حقیقت<sup>۷</sup> نامیده است. تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص برای رشد اقتصادی کشور برجسته‌ترین مسئولیت حرفه‌ای این دانشگاه در قبال جامعه است. پس از وقوع اولین انقلاب و تحول علمی در اواخر قرن نوزدهم که خاستگاه آن عمدتاً در دانشگاه‌های آلمان بود، دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت آموزشی و تدریس، مأموریت پژوهشی را نیز بر عهده گرفتند. (Sani & Gharibpour, 2012).

محور اصلی فعالیت‌های دانشگاه نسل دوم اجرای پژوهش‌های علمی است و بنابراین، تولید دانش جدید در کنار آموزش مهم‌ترین رسالت آن به‌شمار می‌رود. نظریه‌پردازی و تولید دانش، خلق فناوری‌های نوین و هدایت جریان‌های پژوهشی مهم‌ترین مأموریت این دانشگاه است. از این رو، در دانشگاه‌هایی با برجسب نسل دوم، پژوهش به نفع پیشرفت نتایج علمی و آموزش برای تربیت دانشمندان آینده و افراد حرفه‌ای و علمی آموزش‌دیده دنبال می‌شود. با این حال، این نسل دانشگاهی به استفاده از دانش ایجاد شده علاقه چندانی ندارد (Wissema, 2009). علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، ویژگی‌های دیگری مانند رتبه‌بندی دانشگاه با توجه به تعداد پیشرفت‌های علمی، مقاله‌ها و نشریات، نداشتن پیوندی رسمی با سازمان‌های دیگر و نگرستن به سایر دانشگاه‌ها به‌عنوان همکار نه رقیب، در دانشگاه‌های نسل دوم دیده می‌شود (Wissema, 2009).

وقوع انقلاب بعدی در نظام‌های دانشگاهی جهان به این منجر شد که دانشگاه‌ها عهده‌دار مأموریت سومی به نام نوآوری فناورانه شوند که آنها را به دانشگاه نسل سوم یا کارآفرین تبدیل کرد. عمده‌ترین ویژگی این نسل دانشگاهی مأموریت در جهت ارزش آفرینی، ثروت آفرینی، به همراه سودمندی دانش و خلق ارزش‌های جدید اقتصادی است (Khorsandi Taskooh & Panahi, 2016). دلمشغولی اصلی این جوامع دانشگاهی علاوه بر حضور در عرصه جهانی، توجه به اقتصاد محلی و محیط بلافصل خود از طریق تشکیل یک جامعه دانشی است. این نسل هدایتگر و راهبر جامعه آینده است و علاوه بر توجه به عناصر سه‌گانه دانش، دولت و صنعت، در نقش دانشگاهی جامعه‌ساز ظاهر می‌شود (Pawlowski, 2009).

حرکت دانشگاه‌های جهان به سمت نسل سوم در سایه نیازهای متغیر و گوناگون جامعه بشری و تحولات سریع دنیای علم و فناوری تبیین می‌شود، تحولاتی که موجب شده است تا دانشگاه‌ها به توسعه خود شتاب ببخشند و در مرحله گذار به نسل سوم دانشگاهی قرار گیرند. بر این اساس، بسیاری از دانشگاه‌های پیشرفته دنیا در حال حرکت به سوی مدل دانشگاه نسل سوم هستند یا در حال حاضر، از ویژگی‌های نسل سوم

دانشگاهی برخوردار شده‌اند و نشانه‌هایی از بروز دانشگاه‌های نسل چهارم نیز که مبتنی بر جوامع دانشی با رویکردهای راهبردی برجسته و توانایی تغییر محیط خود به‌طور فعال و فراکنشی است، در آنها پدید آمده است (Zuti & Lukovics, 2017; Farasatkah, 2017; Pawlowski, 2009).

به اعتقاد وایزما (Wissema, 2009, 2010) دانشگاه نسل سوم علاوه بر حفظ مأموریت‌های نسل اول و نسل دوم، مأموریت جدید سودمندی دانش و خلق ارزش‌های جدید اقتصادی را مبنای سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است. با این حال، بهره‌برداری از دانش و پیوند عمیق با بدنه اقتصادی جامعه در قالب ویژگی کارآفرینانه بودن تنها شاخص‌های لازم برای شناسایی یک دانشگاه به‌عنوان دانشگاه نسل سوم نیست. تجاری‌سازی دانش، انتقال و تبدیل فناوری، ارتباط با جامعه (صنعت)، مشارکت سه‌گانه صنعت، دانشگاه و دولت، توسعه مهارت‌های دانشجویان برای بازار کار جهانی، پاسخگویی راهبردی به تقاضای توده‌ای برای آموزش عالی، بین‌المللی‌سازی فرایندهای دانشگاهی، پاسخگویی به نیازهای محلی و منطقه‌ای و استقلال (Knight & de, 2006; Knight & de, 2006; Altbach & Knight, 2006; Gibb & Hannon, 2006; Wit, 2018) از جمله شاخص‌های دیگر دانشگاه کارآفرین یا نسل سوم است. گیب و همکاران (Gibb et al., 2013) با بررسی عمیق ادبیات پژوهش درباره دانشگاه کارآفرین که برچسب اصلی دانشگاه نسل سوم است، طیف وسیعی از ویژگی‌ها و مسائل مرتبط با این نسل دانشگاهی را مشخص کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها شامل تجاری‌سازی، انتقال و تبادل فناوری، ارتباط نزدیک‌تر دانشگاه با همه ذینفعان، اشتغال‌پذیری و رشد مهارت‌های دانش‌آموختگان برای بازار جهانی، رقابت‌پذیری، استقلال و خودمختاری مالی دانشگاه و آزادی آکادمیک است. با بررسی نظرهای مختلف درخصوص ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم، مجموعه‌ای از شاخص‌ها مشخص می‌شود که بدون آنها نمی‌توان دانشگاهی را در زمره دانشگاه نسل سوم قرار داد. در ادامه برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مطرح در این زمینه به اختصار فهرست شده‌اند. - بهره‌برداری از دانش: بهره‌برداری از دانش یکی از هدف‌های دانشگاه نسل سوم به‌عنوان مهد فعالیت‌های کارآفرینی جدید است (Wissema, 2009). بهره‌برداری از دانش شامل پژوهش و فعالیت‌های مداخله علمی و برنامه‌ریزی شده است که هدف از آن افزایش استفاده از دانش برای حل مشکلات بشر است (Enayati & Aalipour, 2014).

- کارآفرینی: اگرچه دانشگاه و صنعت (بازار کار) دارای دو نظام ارزشی متفاوت هستند (ارزش‌های آکادمیک در برابر ارزش‌های کسب و کار) و در نگاه اول در تقابل با یکدیگر قرار دارند (Farasatkah, 2010)، کارآفرینی یکی از نمودهای مهم همکاری میان دانشگاه و صنعت و از ویژگی‌های اصلی دانشگاه نسل سوم محسوب می‌شود (Kanter, 1983). کارآفرینی فرایندی است که به زایش محصول از ایده‌ها منتج می‌شود (Shahverdiani, 2010). کلارک (Clark, 1998) پنج عامل را به‌عنوان ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: مرکز فرماندهی قوی، توسعه گسترده، بودجه متنوع، تحرک دانشگاهی و برخوردارگی از فرهنگ یکپارچه کارآفرینانه. دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های جامعه دانشگاهی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و

فناوری ارتقا می‌دهد و در تعامل با جامعه (محیط منطقه‌ای، ملی و جهانی) از امکانات و فرصت‌های موجود برای توسعه و ارزش‌آفرینی استفاده می‌کند (Mehdi, 2015; Hoseinzadeh, Firozie & Siahposhtkhachki, 2018). گیب و همکاران (Gibb et al., 2013) عناصری چون قابلیت اشتغال‌پذیری دانشجویان، ندای دانشجویان<sup>۸</sup> به معنای جوامع کارآفرینی دانشجویی که در موضوع کارآفرینی در دانشگاه فعال هستند، برنامه درسی کارآفرینانه<sup>۹</sup> و توسعه مهارت‌های کارآفرینانه دانشجویان را به‌عنوان مؤلفه‌های ضروری برای تقویت ویژگی کارآفرینانه دانشگاه و بهبود مأموریت کارآفرینی آن معرفی می‌کنند. رقابت بین‌المللی: دانشگاه نسل سوم در بازار رقابت بین‌المللی وارد می‌شود. این دانشگاه به‌طور فعال برای بهترین دانشگاهیان، دانشجویان و قراردادهای تحقیقاتی در صنعت به رقابت می‌پردازد. امتیاز رقابتی بودن دانشگاه نسل سوم به توانایی آن برای ارائه خود در محیط بین‌المللی، ارتباط با سایر پژوهشگران، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و غیردولتی بستگی دارد (Wissema, 2009). بر این اساس، دانشگاه‌ها برای حفظ بقای خود راهی جز وارد شدن در دنیای رقابتی ندارند و برای رسیدن به این منظور آنها باید در فرایندهای آموزشی و پژوهشی، ساختار، فرهنگ و شیوه و محتوای تعامل خود با بنگاه‌ها و دولت تغییراتی ایجاد کنند (Makki Aal Agha, 2007).

- وابسته بودن به شبکه (وب): نقش اینترنت در توسعه دانشگاهی انکارناپذیر است. اینترنت به هسته مرکزی ارتباط و روابط بین جوامع و انسان‌ها تبدیل شده است. دانشگاه نسل سوم مجهز به شبکه جهانی وب و پهنای باند در آنها گسترده و وسیع است. بر این اساس، بهره‌مندی از زیرساخت‌های مناسب برای گسترش ارتباطات دانشگاهی با سایر مراکز علمی و دانشگاه‌ها جزء ضروری این نسل دانشگاهی است.

- اجرای پژوهش‌های فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای: در دانشگاه نسل سوم تحقیقات تا حد زیادی فرارشته‌ای یا میان‌رشته‌ای است. واژه میان‌رشته‌ای یا هم‌خانواده‌های آن مانند فرارشته‌ای، چندرشته‌ای، تعددرشته‌ای و بینارشته‌ای بیانگر ظهور رویکرد جدیدی در پژوهش‌های علمی است که هدف مشترک همه آنها نگرش وحدت‌نگر به مسائلی است که در طیفی از موضوعات علمی مطرح می‌شوند و به‌طور کلی، به معنای یکپارچگی دیدگاه‌ها در حل مسائل مشترک است (Sayyari & Gharamaleki, 2010).

- سازمانی چند فرهنگی با طیف متنوعی از دانشجویان: دانشگاه نسل سوم سازمانی چند فرهنگی با طیف متنوعی از دانشجویان است. این دانشگاه طرفدار کثرت‌گرایی فرهنگی است و هماهنگی کامل با فرهنگ را نمی‌پذیرد، بلکه در پی توسعه جامعه کثرت‌گرا با فرهنگ‌های مختلف است. این مهم فقط از طریق توجه به تنوع فرهنگی و فراهم کردن فرصت‌های تعامل مثبت و مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف فرهنگی دانشجویان به‌دست می‌آید. هدف اساسی آموزش چندفرهنگی در دانشگاه، تضمین و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای تمام دانشجویان با نژادها، طبقات، قومیت‌ها و گروه‌های متنوع فرهنگی است (Moore, 2004).

- بین‌المللی بودن: دانشگاه‌های نسل سوم بین‌المللی هستند. آنها در محیط بین‌المللی کار می‌کنند و زبانی بین‌المللی را برای تمام دوره‌ها به‌عنوان زبان میانجی به کار می‌گیرند. در این خصوص، دانشگاه نسل سوم با تجاری‌سازی آموزش عالی برای جذب دانشجویان بین‌المللی و تبادل اعضای هیئت علمی اقدام می‌کند (Khorsandi Taskooh & Panahi, 2016). برای بین‌المللی شدن دانشگاه عواملی مانند مهار هراس فرهنگی از بین‌المللی شدن و زمینه‌سازی برای به‌کارگیری زبان واسط بین‌المللی ضروری است (Asgharzadeh & Khorasani, 2018).

برنامه درسی بین‌المللی در آموزش عالی برنامه‌ای میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای با رویکرد میان‌فرهنگی یا فرافرهنگی است که به زبان بین‌المللی ارائه می‌شود و دانشجویان را برای مشاغل تعریف شده بین‌المللی آماده می‌کند (OECD<sup>10</sup>, 2004). گیب و همکاران (Gibb et al., 2013) فعالیت‌ها و فرایندهای لازم برای برخورداری یک دانشگاه از ویژگی‌های بین‌المللی را فهرست کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: پویایی و تبادل دانشجو، ابعاد فرهنگی و بین‌المللی برنامه درسی، اعضای هیئت علمی بین‌المللی، آموزش از دور، گسترش موافقت‌های بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها، توسعه شعبه‌های بین‌المللی دانشگاه در نقاط مختلف جهان، همکاری‌های علمی، استفاده از پژوهشگران مهمان و استادان بین‌المللی، مشارکت در پروژه‌های توسعه بین‌المللی، ارائه رشته‌ها و مدارک علمی مشترک با سایر دانشگاه‌ها، فعالیت‌های فوق برنامه مشترک، ارائه برنامه‌ها در سایر کشورها و توسعه ظرفیت‌های آموزش چندزبانی.

- استقلال: دانشگاه نسل سوم کمتر به مقررات دولت‌ها وابسته است و می‌تواند به‌طور کامل از آن جدا شود (Wissema, 2009). دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته ناگزیر بوده‌اند که همواره موازنه ظریفی را میان حق استقلال و جوامع خود حفظ کنند. دانشگاه‌ها اگرچه همیشه در این راه موفق نبوده‌اند، ولی آرمان استقلال‌خواهی‌شان هرگز رنگ نباخته است. نوع و میزان استقلال نهادهای آموزشی تا حد زیادی می‌تواند به سیاست‌های دولت بستگی داشته باشد؛ این بدان معناست که رابطه میان دولت و دانشگاه‌ها در تعیین استقلال این نهادهای آموزشی نقش کلیدی دارد (Rahmani Miandehi & Nasrabadi, 2001). Lavasani, 2001. برخی از جنبه‌های استقلال دانشگاهی می‌تواند در طراحی مستقل برنامه‌های درسی، نبود نظارت دولتی، استقلال مالی، مدیریتی و سازوکارهای گسترش دانشگاه یا همان راهبردهای کلان توسعه دانشگاه نمود یابد. وایزما (Wissema, 2009) با بررسی سیر تحول نسل‌های مختلف دانشگاهی، برخی از ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل اول، دوم و سوم را از نظر هدف، نقش، خروجی و مدیریت مشخص کرده است (جدول ۱).

10. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

جدول ۱- برخی از ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل اول، دوم و سوم (Wissema, 2009)

مدیریت	خروجی	نقش	هدف	نسل دانشگاهی
صدراعظم	حرفه‌ای‌ها	پاسدداشت حقیقت	آموزش	نسل اول
دانشمندان پاره وقت	حرفه‌ای‌ها و دانشمندان	شناخت طبیعت	آموزش و پژوهش	نسل دوم
مدیریت حرفه‌ای	دانشمندان و کارآفرینان	ایجاد ارزش افزوده	بهره‌برداری از دانش	نسل سوم

فراستخواه (Farasatkah, 2017) نیز ویژگی‌های نسل‌های اول، دوم و سوم دانشگاهی را از نگاهی متمایز بررسی و بر مقایسه ویژگی‌هایی از قبیل مأموریت، ارزش‌ها، آموزش، منابع، علم‌ورزی، نوع ارتباط با صنعت و بازار، منابع مالی، استقلال نهادی، واحدهای سازمانی و مکان کانونی دانشگاه تأکید کرده است. بر این اساس، کارویژه دانشگاه در نسل اول و دوم به ترتیب آموختن دانش و پدید آوردن آن است، اما نسل سوم دانشگاهی مبتنی بر به‌کار بردن دانش و تولید دانش افزوده از راه دانش است. همچنین دانشگاه‌های نسل اول و دوم به ترتیب بر ارزش‌های تعلیمی و هنجارهای علمی تأکید دارند، در حالی که دانشگاه نسل سوم مبتنی بر ارزش‌های مبادله‌ای و بازاری است. درخصوص ویژگی آموزش، دانشگاه نسل اول بر تدریس و دانشگاه نسل دوم بر ارائه نتایج یافته‌های پژوهشی استوار است، در حالی که دانشگاه نسل سوم ساخته شدن اجتماعی دانش را تسهیل می‌سازد. یکی از ویژگی‌های مهم دیگری که در این مقایسه به آن پرداخته شده است، رابطه دانشگاه با صنعت و بازار کار است. در حالی که دانشگاه نسل اول منزله از ارتباط با بازار کار در نظر گرفته می‌شود، دانشگاه نسل دوم مجری تحقیقی برای صنعت و بازار است، اما دانشگاه نسل سوم با نقشی متفاوت در این زمینه نوعی بنگاه و صنعت کسب و کار یا بازار دانش به‌شمار می‌رود. علم‌ورزی در دانشگاه نسل اول مبتنی بر کنجکاوی ناب علمی است، در حالی که نسل دوم دانشگاهی بر طرح تحقیق و گزارش تحقیق تأکید دارد، اما دانشگاه نسل سوم از منظر علم‌ورزی، تبدیل دانش به ثروت و ارزش‌های مبادله‌ای را در دستور کار خود قرار می‌دهد. همچنین در حالی که برنامه‌های درسی در دانشگاه نسل اول جامع و رشته‌ای (دیسپلینی) و در دانشگاه نسل دوم عمدتاً تخصصی و رشته‌ای هستند، نسل سوم دانشگاه‌ها به سمت بهره‌گیری از برنامه‌های درسی بین‌رشته‌ای گرایش دارند. در حالی که نسل اول دانشگاهی از منابع مالی عمومی استفاده می‌کند، دانشگاه نسل دوم دارای تنوع منابع مالی است، اما دانشگاه نسل سوم در استفاده از منابع مالی به سمت خصوصی‌سازی دانشگاه و در نتیجه، استقلال مالی کامل گرایش دارد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی مرتبط با دانشگاه نسل سوم عمدتاً ناظر بر یکی از شاخص‌های این نوع دانشگاه؛ یعنی ویژگی کارآفرینی است و به میزان کمتری سایر شاخص‌ها را مد نظر قرار داده است. با این حال، برخی پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور ضمن بررسی عمیق جنبه‌های مختلف نسل‌های دانشگاهی و



همچنین ویژگی‌های مختلف نسلی دانشگاه، وضعیت فعلی نظام دانشگاهی را از منظر این ویژگی‌ها مورد مذاقه قرار داده‌اند. فراستخواه (Farasatkah, 2017) در کتاب *گاه و بیگانه‌ی دانشگاه در ایران: مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه‌پژوهشی، مطالعات علم و آموزش عالی*، در فصول مختلف به مسئله نسل‌های دانشگاهی در ایران پرداخته است. او در فصلی از این کتاب با عنوان «ما و چهار نسل دانشگاهی» ضمن برشمردن ویژگی‌های نسلی نسل‌های اول تا سوم دانشگاهی از منظر مأموریت، ارزش‌ها، آموزش، منابع، علم‌ورزی، نوع ارتباط با صنعت و بازار، منابع مالی، استقلال نهادی، واحدهای سازمانی و مکان کانونی، به نسل چهارم دانشگاهی پرداخته و آن را نسل آفرینش منطقه‌ای و محلی دانش توصیف کرده و مأموریت آن را توانمندسازی منطقه و محل دانشگاه در نظر گرفته است. از نظر فراستخواه (Farasatkah, 2017) این نسل دانشگاهی منتقد روایت کارآفرین نسل سوم دانشگاهی است و در عوض، به تأثیرات اجتماعی دانشگاه در توسعه پایدار منطقه‌ای تأکید می‌کند، آن را به‌عنوان ابزاری واسط برای تغییر جامعه در نظر می‌گیرد و درخصوص تحولات جاری جامعه کنشگر و فعال است. بر این اساس، او موضوع تنوع نسل‌های دانشگاهی و ترکیب و تبادلات نسل‌ها را مطرح می‌کند. از این دیدگاه، دانشگاه امروزی موجودی چندساختی با تنوعات نسلی مختلف است که متناسب با نیازهای جامعه، به هر سه محور آموزش، پژوهش و کارآفرینی توجه می‌کند. برای دستیابی به این وضعیت، فراستخواه (Farasatkah, 2017) در نظر گرفتن هفت مقوله را در دانشگاه ضروری می‌داند، از جمله توجه به خودتنظیمی و خودراهبری دانشگاه به جای دیگر تنظیم بودن، برخوردار بودن از سازمان‌های مسطح شبکه‌ای به جای ساختار بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی، توجه به آفرینندگی به جای نخیه‌پروری و نخیه‌گرایی، برخورداری از سازمانی هوشمند، یادگیرنده و خلاق به جای فروکاسته شدن به سازمانی اداری، بازاندیشی در دانش و شالوده‌زدایی به جای تولید صرف دانش ابزاری، بازتعریف رابطه استاد و دانشجو بر مبنای تفهم انتقادی و استفاده از راهبردهای انطباقی به جای راهبرد خطی در برنامه‌ها. فراستخواه (Farasatkah, 2017) در فصلی دیگر از این کتاب با عنوان «نخستین نسل دانشگاهی و ما» این موضوع را مطرح می‌کند که بحث‌ها درباره نسل‌های دوم و سوم دانشگاهی؛ یعنی دانشگاه‌های پژوهش‌محور و دانشگاه‌های کارآفرین در حالی در ایران صورت می‌گیرد که هنوز درخصوص میزان بلوغ و بالندگی نظام دانشگاهی در نسل اول دانشگاهی در ایران؛ یعنی دانشگاه‌های آموزش‌محور پرسش‌های اساسی وجود دارد. او با برشمردن برخی از ویژگی‌های نظام دانشگاهی کشور مانند مدرک‌گرایی، حافظه‌مداری، بنگاه‌داری در مدیریت‌های دانشگاهی، کالایی شدن آموزش عالی، رشد بی‌ضابطه کمی به جای توجه به کیفیت، کاهش شاخص اقامت در دانشگاه، تمرکزگرایی، مسائل مربوط به آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاهی، معتقد است که وضعیت نظام آموزش عالی کشور از نظر مأموریت آموزشی نیز با کاستی‌های فراوان رو به رو است.

فراستخواه (Farasatkah, 2013) همچنین در پژوهشی با عنوان «چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده اندیشی در دانشگاه» ضمن برشمردن تجارب دانشگاه‌های پیشرو جهان در زمینه آینده پژوهشی، به شش سناریوی دانشگاهی از دیدگاه فین و همکاران (Finn, Ratcliffe &

(Lorcan, 2007) پرداخته است. از این منظر، سناریوهای شش‌گانه دانشگاهی با توجه به ویژگی‌هایی مانند چگونگی تحول در فرایندها و محیط‌های یادگیری و همچنین میزان توسعه نهادی، شامل دانشگاه سنتی، دانشگاه باز برای یادگیری تمام عمر، دانشگاه کارآفرین، دانشگاه همچون بنگاه، دانشگاه شبکه‌ای و دانشگاه به‌غایت واگرا (ناپدید شدن دانشگاه) هستند. در این نوع آینده‌نگری برای دانشگاه، دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که بر تحول متوسط در هر دو زمینه فرایندها و محیط‌های یادگیری و توسعه نهادی تکیه دارد. بر این اساس، این نوع دانشگاه قابلیت انعطاف و تحرک دارد، در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی حضوری فعال دارد و ارزش‌های افزوده تجاری ایجاد می‌کند و بنابراین، دانشگاهی کارآفرین است. از سوی دیگر، دانشگاه سنتی بدون تغییر در محیط‌های یادگیری و توسعه نهادی، قدرت سازگاری با تغییرات را از دست می‌دهد. فراساتخواه (Farasatkah, 2018) همچنین در فصلی از کتاب *دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی*، درباره موضوع کارآفرینی در دانشگاه با مطرح کردن این سؤال که «پرسش کارآفرینی از دانشگاه چیست؟»، بحث کرده است.

فروزانفر و همکاران (Forouzanfar, Mahmoudabadi & Ziaie Adib, 2017) در پژوهشی با عنوان «تحقق دانشگاه نسل سوم، چالش نوین کارآفرینی» درباره ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم در برخی از مراکز علمی فنی و حرفه‌ای بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که ساختار خدمات بیشترین تأثیر و ساختار دولتی کمترین تأثیر را در دانشگاه نسل سوم دارد. حسین‌زاده و همکاران (Hoseinzadeh et al., 2018) در پژوهشی با عنوان «حرکت به سوی نسل سوم دانشگاه‌های علوم پزشکی» به این نتیجه رسیدند که محور و مأموریت کانونی نسل سوم این دانشگاه‌ها عموماً مبتنی بر کارآفرینی در حوزه پزشکی است و بر حل مسائل جامعه با رویکرد علمی و نظام یافته و در تعامل با محیط پیرامونی تأکید می‌شود. از نظر آنان مهارت آموزی دانشجویان باید در کانون سیاست‌های آموزشی دانشگاه قرار گیرد. کردنائیج و همکاران (Kordnaeij, Ahmad, Ghorbani & Niakan Lahiji, 2012) در پژوهشی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که این دانشگاه برخی از ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین از جمله فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تعامل مستمر با محیط، چشم‌انداز مشترک و راهبرد آینده‌نگر و منابع انسانی را دارد، اما از ساختار کارآفرینانه و استقلال مالی مناسب برخوردار نیست. صفرزاده و همکاران (Safarzadeh, Ahmadi Sharif & Kargarian, 2009) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر استقرار دانشگاه‌های کارآفرین» لازمه رشد اقتصادی در هزاره سوم را توسعه مراکز تولید دانش، فناوری و مهارت‌های فنی در نظر گرفته و از کارآفرینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موتورهای رشد و توسعه یاد کرده‌اند. از نظر آنها یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند ما را به این مقصود برساند، دانشگاه‌های کارآفرین هستند. نتیجه این پژوهش نشان داد که در میان عوامل داخلی دانشگاه فرایندهای دانشگاهی، در میان عوامل احیای سازمانی اعمال رهبری تحول بخش و در میان تغییرات اساسی و بنیادی دانشگاه ایجاد محیط پویا و علمی بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری و استقرار دانشگاه‌های کارآفرین دارند. شاهرودیانی (Shahverdiani, 2010) در مقاله‌ای با

عنوان «بررسی تأثیر عوامل محیطی بر ایجاد و توسعه مراکز رشد دانشگاه‌ها: رهیافتی نو بر دانشگاه کارآفرین و ارتباط بین صنعت و دانشگاه» معتقد است که تحولات کسب و کار و ضرورت شکل‌گیری مراکز علم و فناوری با رویکرد دانشگاه‌های کارآفرین موجب شده است که مأموریت دولت‌ها و همچنین مراکز علمی بازمهندسی شود و ایجاد و توسعه مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در اولویت برنامه‌ریزی توسعه علوم و فناوری‌ها قرار گیرد. مکی آل آقا (Makki Aal Agha, 2007) در پژوهشی با عنوان «نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی» عوامل گسترش و ترویج کارآفرینی در دانشگاه را بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که معرفی فرصت‌های کارآفرینی در دانشگاه در ایجاد تسهیلات برای توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی بسیار مؤثر است. یافته دیگر این پژوهش حاکی از آن بود که آموزش‌های رایج دانشگاهی به میزان کمی قادر به تقویت انگیزه کارآفرینی و آمادگی برای احراز شغل و حرفه معین می‌شوند.

در پژوهش‌های خارجی مرتبط با دانشگاه نسل سوم علی‌رغم پررنگ بودن تمرکز بر ویژگی کارآفرینانه بودن دانشگاه، به برخی استلزامات ضروری دیگر این دانشگاه نیز توجه شده است. وایزما (Wissema, 2010) در مقاله‌ای با عنوان «رهبری دانشگاه نسل سوم» بر سه جنبه از مدیریت دانشگاه نسل سوم تمرکز کرده که شامل ساختار سازمانی، بازاریابی و مدیریت منابع انسانی است؛ همچنین او معتقد است که اگرچه اطلاعات بسیار خوبی از مدیریت دانشگاه‌های نسل سوم در دسترس است، هنوز هم برای ارائه نظریه‌ای جامع و عملی در این موضوع به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. گیب و همکاران (Gibb et al., 2013) نیز با بررسی عمیق ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم یا کارآفرین، شرایط و استلزامات تشکیل و توسعه چنین دانشگاه‌هایی را تبیین کردند و نتیجه گرفتند که قابلیت‌های بین‌المللی دانشگاه از جمله اساسی‌ترین زمینه‌هایی است که بدون دستیابی به آن، مأموریت کارآفرینی دانشگاه نیز ناکام خواهد ماند. زوتی و لوکویکس (Zuti & Lukovics, 2017) در مقاله‌ای با عنوان «نسل چهارم دانشگاه‌ها و توسعه منطقه‌ای» بیان کردند که توسعه اقتصادی مدرن مستلزم گسترش تعهدات اجتماعی و اقتصادی دانشگاه در کنار فعالیت‌های سنتی آن است و آموزش با کیفیت بالا می‌تواند زمینه توسعه اقتصادی را فراهم آورد (دانشگاه‌های نسل اول)؛ با این حال، برای رسیدن به توسعه اقتصادی پژوهش‌هایی با استاندارد بالا (دانشگاه‌های نسل دوم) و استفاده بدنه اقتصادی کشور از خروجی‌های تحقیقاتی (دانشگاه‌های نسل سوم) نیز ضروری است. از این طریق، رقابت شرکت‌ها افزایش می‌یابد و می‌تواند به افزایش رقابت در سطح منطقه‌ای و جهانی منجر شود. سیلو و همکاران (Cillo, Caggiano & D'Emilia, 2015) در مقاله‌ای با عنوان «دانشگاه خوب و کارآفرین» درباره نقش آموزش کارآفرینی در پیشگیری از فرسودگی تحصیلی در دانشگاه گفته‌اند که انگیزه بالای کارآفرینی دانشجویان در کاهش فرسودگی تحصیلی در دانشگاه مؤثر است. در این شرایط، دانشگاه‌ها به‌طور مؤثرتر کارآفرین خواهند بود.

بر اساس مبانی نظری و بررسی پیشینه پژوهش، برخی از شاخص‌های اساسی دانشگاه‌های نسل سوم مشخص شد. از آنجا که تا کنون میزان دستیابی نظام آموزش عالی ایران به شاخص‌های اشاره شده در این مطالعه در پژوهشی مستقل بررسی نشده است، این مسئله به‌طور موردی و از دیدگاه اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه شهید باهنر کرمان بررسی شد. علاوه بر این، راهکارها و رهیافت‌های رسیدن به این شاخص‌ها از منظر اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه نیز بررسی شد. بر این اساس، سؤالات پژوهش عبارت بودند از:

۱. ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم کدام‌اند؟
۲. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی بهره‌برداری از دانش برخوردار است؟
۳. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی کارآفرینی برخوردار است؟
۴. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی رقابت بین‌المللی برخوردار است؟
۵. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای برخوردار است؟
۶. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی دانشگاه وابسته به شبکه برخوردار است؟
۷. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی سازمان چندفرهنگی با طیف متنوعی از دانشجویان برخوردار است؟
۸. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی بین‌المللی بودن برخوردار است؟
۹. تا چه اندازه دانشگاه شهید باهنر کرمان از ویژگی استقلال برخوردار است؟
۱۰. چه راهکارهایی برای دستیابی سریع‌تر دانشگاه شهید باهنر کرمان به ویژگی‌های دانشگاه نسل وجود دارد؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی بود. پژوهش کیفی تفسیری یا مابعد اثبات‌گرا، دانش جدید را در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با مطالعه عمیق موارد و ارائه این داده‌ها در قالب استقرای تحلیلی تولید می‌کند (Gall, Gall & Borg, 2007). بر این اساس، این پژوهش از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی و طرح پژوهش نیز پیمایش نظرهای اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه با روش مصاحبه بود. در تحقیق کیفی هدف انتخاب مورد یا موردها (نمونه‌ها) و فهم عمیق‌تر پدیده مورد بررسی است. بنابراین، محقق مواردی را انتخاب می‌کند که با توجه به هدف تحقیق اطلاعات زیادی داشته باشند. این روش نمونه‌گیری هدفمند نامیده می‌شود (Gall et al., 2007). برای شناسایی این افراد از روش نظرخواهی از افراد شناسایی شده و درخواست برای معرفی افراد مناسب برای انجام دادن مصاحبه استفاده شد. این روش که گلوله برفی یا نمونه‌گیری شبکه‌ای نامیده می‌شود، فرایندی است که از طریق آن افرادی که انتخاب شده‌اند، اسامی افراد دیگری را که ممکن است برای نمونه مناسب باشند، پیشنهاد می‌کنند (Khoinejad, 2001). منطق این راهبرد نمونه‌گیری در فرایند انتخاب افراد، دسته‌بندی مفاهیم و رسیدن

به مقوله‌های جدید است که در این فرایند مفاهیم جدید و نمونه بر اساس مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها و ایجاد مقایسه میان مفاهیم ادامه می‌یابد و هدف آن استفاده از افراد یا رویدادهایی است که فرصت‌ها را برای کشف تفاوت‌ها میان مفاهیم به حداکثر برساند و مقوله‌هایی را با توجه به ویژگی‌ها و ابعاد آنها مشخص سازد (Strauss & Corbin, 1998). طی این فرایند، نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که دیدگاه و بینش جدیدی به دست نیاید. این مسئله اشباع نظری<sup>۱۱</sup> یا اشباع مقوله‌ها نام دارد (Gall et al., 2007; Strauss & Corbin, 1998). در پژوهش حاضر داده‌های به دست آمده پس از ۱۵ مصاحبه به اشباع رسید. مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه در جدول ۲ ارائه شده است.

با توجه به اینکه هدف پژوهش دست یافتن به تجارب و دیدگاه‌های واقعی اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه درباره موضوع پژوهش بود، مصاحبه نیمه سازمان یافته<sup>۱۲</sup> به عنوان بهترین وسیله برای دست یافتن به هدف شناخته شد. در مصاحبه نیمه سازمان یافته سوالاتی که توالی و جمله‌بندی از قبل تعیین شده‌ای دارند، از مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شود (Gall et al., 2007). این سبک از مصاحبه این مزیت را دارد که داده‌های یکسانی از همه پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری می‌شود. علاوه بر این، اطلاعات به دست آمده نسبت به آنچه می‌تواند با روش مصاحبه‌های کاملاً ساختاردار به دست آید، عمق بیشتری دارد. این شیوه همچنین به محقق اجازه می‌دهد تا هنگام مصاحبه بتواند متناسب با شرایط، اهداف و سوالات پژوهش، مصاحبه‌شوندگان را هدایت کند تا اطلاعات گسترده و عمیق‌تری به دست آید.

جدول ۲- مشخصات نمونه پژوهش به تفکیک تخصص و سمت

شماره	رشته تخصصی	سمت	فراوانی	درصد
۱	شیمی	ریاست دانشگاه	۱	۶/۶۶
۲	ادبیات	مدیریت روابط عمومی دانشگاه	۱	۶/۶۶
۳	علوم آموزشی (تربیتی)	عضو هیئت علمی دانشگاه	۶	۴۰
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹	علم اطلاعات و دانش‌شناسی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱	۶/۶۶
۱۰	علوم اجتماعی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۲	۱۳/۳۳
۱۱				
۱۲	برق	معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه	۲	۱۳/۳۳
۱۳	برق	ریاست روابط بین‌الملل دانشگاه		
۱۴	علوم اجتماعی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱	۶/۶۶
۱۵	دامپزشکی	ریاست تحصیلات تکمیلی دانشگاه	۱	۶/۶۶
		جمع	۱۵	۱۰۰

11. Theoretical Saturation
12. Semistructured Interview

در این پژوهش به منظور تعیین اعتبار سؤالات مصاحبه از روش تأیید اعتبار محتوایی و صوری ابزار از دیدگاه متخصصان استفاده شد. اعتبار محتوای ابزار اندازه‌گیری به سؤال‌های آن بستگی دارد. در صورتی که پرسش‌ها معرف ویژگی‌ها و موضوعات ویژه‌ای باشند که محقق قصد اندازه‌گیری آنها را دارد، در این صورت ابزار دارای اعتبار محتواست. اعتبار محتوای ابزار را معمولاً افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌کنند و اعتبار محتوا به قضاوت داور بستگی دارد (Sarmad, Bazargan & Hejazi, 2016). بر این اساس، سؤالات تهیه شده برای اعتباریابی در اختیار تعدادی از استادان متخصص حوزه علوم آموزشی (تربیتی) قرار گرفت و در نهایت، ۱۰ سؤال تعیین شد. برای بالا رفتن میزان اعتبار و پایایی مصاحبه‌ها، مطالعه‌ای عمیق درباره نحوه مصاحبه صورت گرفت تا تمام نکات هنگام مصاحبه‌ها رعایت شود.

پس از دریافت موافقت افراد برای مصاحبه، زمان و مکان مصاحبه‌ها تعیین شد. مصاحبه‌ها در دانشگاه شهید باهنر کرمان انجام شدند. هنگام مصاحبه، برای جلب اعتماد، به افراد اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنها محرمانه است و در متن نهایی پژوهش افراد قابل شناسایی نخواهند بود. هنگام طرح پرسش‌ها سعی شد با یادآوری سؤالات جنبی و کندوکاو نظرها، اطلاعات بیشتر و مناسب‌تری فراهم شود. در پایان هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا هرگونه نظر یا پیشنهاد دیگری دارند، ارائه کنند. زمان مصاحبه‌ها بین ۲۵ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها با اجازه قبلی از مصاحبه‌شوندگان ضبط شدند که این کار امکان تسریع در برگزاری مصاحبه و ضبط کامل اظهارات و بررسی‌های چندباره در نظرها را فراهم کرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه مقوله‌بندی<sup>۱۳</sup> (دسته‌بندی) استفاده شد. بر این اساس، پس از چند بار بررسی متن‌های پیاده شده، مجموعه‌ای از مقوله‌های موجود شناسایی و انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل و ارائه مقوله‌ها از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم استفاده و برای رعایت اصل ناشناس ماندن افراد برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان یک شماره تعیین شد.

## یافته‌ها

به‌منظور شناسایی شاخص‌های دانشگاه نسل سوم و بررسی اینکه دانشگاه شهید باهنر کرمان تا چه اندازه از این ویژگی‌ها برخوردار است، پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در این خصوص در مقوله‌های اصلی و فرعی زیر دسته‌بندی شدند.

۱. مهارت‌آموزی: ویژگی مهارت‌آموزی از طریق برنامه‌های درسی دانشگاه انتقال می‌یابد. ماهیت برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای تغییر یابد که به جای انتقال صرف دانش، مهارت‌ها را نیز به دانشجو آموزش دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این خصوص بیان داشت: «یکی از مشکلات فارغ‌التحصیلان نداشتن مهارت لازم برای انجام شغل می‌باشد. حفظیات و دانش به تنهایی فایده‌چندانی ندارد و دانشگاه باید مهارت‌های

شغلی لازم بر اساس رشته‌های تحصیلی را به دانشجویان ارائه کند و به جای اهمیت دادن به رشته‌ها باید به تخصص‌ها و ایجاد مهارت تأکید کند».

۲. کارآفرینی: برای کارآفرین بودن، دانشگاه نیازمند استفاده از تجربه دانشگاه‌های موفق دنیا در این زمینه است. دانشگاه باید بر برنامه‌های کارآفرینی تأکید داشته باشد و کارآفرینی را در قالب سرفصل‌های برنامه درسی به دانشجویان ارائه کند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این باره اظهار داشت: «کارآفرین بودن مهم‌ترین ویژگی دانشگاه نسل سوم است. لازم است که دانش تولید شده در دانشگاه به حوزه عمل وارد و در عمل به کار گرفته شود. بنابراین، لازم است که از طریق برنامه‌های درسی دانشگاه دانشجویانی کارآفرین تربیت کرد. این ویژگی است که ما را به دانشگاه نسل سه ارتقا خواهد داد». مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این باره معتقد بود: «کاربست پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه در ویژگی کارآفرینانه بودن آن تجلی می‌یابد. این ویژگی باید هم از طریق تربیت دانشجویان کارآفرین و هم در ارتباط مؤثر با صنعت و جامعه در جهت عرضه دانش به آنها پیگیری گردد».

مقوله کارآفرینی از زیرمقوله‌های فرعی دیگری نیز تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از:

- کاربردی کردن علم: دانشگاه باید نتایج پژوهش‌ها را در جامعه اجرایی و از دانش موجود بهره‌برداری کند. دانشگاه باید سعی در کاربردی ساختن دانش داشته باشد، نه اینکه صرفاً به پیشبرد دانش اکتفا کند.  
- ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان: شرکت‌های دانش‌بنیان نتیجه کاربردی کردن دانش هستند و دانشگاه باید بتواند کسب و کار دانش‌بنیان ایجاد کند.

- تأکید بر فناوری و تجاری‌سازی آن: دانشگاه باید نتایج پژوهش‌ها را کاربردی کند و محصول را به جامعه بازگرداند و در قالب محصول تولید شده در جامعه درآمدزایی کند.

۳. استقلال همه‌جانبه: قوانین و آیین‌نامه‌های دانشگاه باید دقیقاً با ضوابط و مقرراتی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعیین می‌کند، مطابقت داشته باشد. دانشگاه‌ها از جهات مختلف مالی، قوانین، برنامه‌ها و مانند آن وابسته به وزارت علوم هستند، هر چند که آنها در قالب هیئت امنایی که در دانشگاه تشکیل می‌شوند، از اختیاراتی جزئی برخوردارند، اما در واقع، استقلال چندانی ندارند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این باره معتقد بود: «لازمه استقلال همه‌جانبه دانشگاه، استقلال مالی است و هر چه دانشگاه بتواند بودجه غیردولتی خود را افزایش دهد، استقلال عمل بیشتری هم خواهد داشت». مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این باره می‌گوید: «سیستم تصمیم‌گیری در دانشگاه باید پایین به بالا باشد و از حلقه‌ها و شبکه‌های دانشجویان و کارمندان، تصمیم‌سازی و فرایندسازی شود».

این ویژگی دارای زیرمقوله فرعی زیر است:

- دموکراتیک بودن دانشگاه: نظام تصمیم‌گیری و مدیریتی دانشگاه نباید دستوری و از بالا به پایین باشد، بلکه دانشگاه باید با خردجمعی پیش برود و همه افراد در تصمیم‌گیری‌های کلان شرکت داشته باشند.

۴. تعامل دانشگاه با جامعه: ارتباط مؤثر نهاد دانشگاه با جامعه، صنعت و حوزه‌های مهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراتر از خود، ویژگی دیگری از شاخص‌های مهم دانشگاه نسل سوم است. بر این اساس، لازم

است که دیوار بین دانشگاه و جامعه برداشته شود و دانشگاه با جامعه ارتباط فراگیر داشته باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این باره بیان داشت: «دانشگاه باید حلقه متصل به جامعه باشد و ارتباطات بین‌المللی به صورت فرصت‌های مطالعاتی و پروژه‌های تحقیقاتی بین دانشگاه‌های موفق خارجی افزایش یابند».

بر این اساس، دو زیرمقوله فرعی زیر نیز شناسایی شدند:

- افزایش روابط بین‌المللی: افزایش ارتباطات بین‌المللی به صورت فرصت‌های مطالعاتی و پروژه‌های تحقیقاتی با دانشگاه‌های خارج از کشور.

- تسلط به زبان انگلیسی: همه اعضای هیئت علمی و مدیران و حتی دانشجویان دانشگاه باید با زبان بین‌المللی آشنایی داشته باشند. دانشگاه باید با دانشگاه‌های موفق خارجی تبادل دانشجو و استاد داشته باشد و این مهم فقط در صورت تسلط به زبان انگلیسی میسر خواهد شد.

۵. خلاقیت و ایده‌پردازی: زایش و پرورش ایده‌های نو و همچنین خلاقانه بودن برنامه‌های دانشگاه از جمله ویژگی‌های مهم دیگر دانشگاه نسل سوم است. بر این اساس، دانشگاه باید زمینه تبدیل دانش به محصول را از طریق حمایت و پشتیبانی از ایده‌های جدید و خلاق دانشجویان و استادان فراهم کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ در این باره بیان داشت: «مراکز رشد و نوآوری در دانشگاه به منظور انجام تمهیدات لازم برای تربیت نیروهای کارآفرین باید توسعه یابند».

این مقوله از زیرمقوله فرعی زیر تشکیل شده است:

- توسعه مراکز رشد و نوآوری؛ دانشگاه باید مراکز رشد و نوآوری خود را بهبود بخشد و از ایده‌های جدید و خلاقیت نیروهای جوان حمایت کند تا بتواند از دانش موجود استفاده تجاری و درآمدزایی کند.

در ادامه، از شرکت‌کنندگان در پژوهش سؤال شد که دانشگاه شهید باهنر کرمان تا چه اندازه از ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم برخوردار است (پرسش‌های ۲ تا ۹ پژوهش)؟ پاسخ‌های مقوله‌بندی شده مصاحبه‌شوندگان به این سؤال بر اساس هر یک از ویژگی‌های هشت‌گانه زیر ارائه می‌شود:

۱. بهره‌برداری از دانش: مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این باره بیان داشت: «خوشبختانه دانشگاه شهید باهنر کرمان نقص خود را در این مورد پیدا کرده است و مهم‌ترین مسئله همین است که راه اشتباه پیدا شود. دانشگاه شهید باهنر کرمان در مسیر درست قرار گرفته و در حال حرکت به سمت بهره‌برداری از دانش است، اما هنوز هم با دانشگاه نسل سوم فاصله زیادی دارد. دانشگاه شهید باهنر در حال حاضر فاصله زیادی با دانشگاه نسل سوم دارد، اما موفقیت‌هایی در برخی حوزه‌ها داشته است و اگر این موفقیت‌ها ادامه داشته باشند، در آینده نزدیک به دانشگاه نسل سوم تبدیل خواهد شد. حتی سیاست‌گذاری‌های دانشگاه شهید باهنر به سمتی است که بتواند نتایج پژوهش‌ها را کاربردی کند و محصول را به جامعه بازگرداند». مصاحبه‌شونده شماره ۹ نیز در این باره می‌گوید: «از نظر پژوهش و کاربردی کردن پژوهش، حوزه گسترده‌ای ندارد و معتقدم که دانشگاه شهید باهنر کرمان هنوز به مسیر بهره‌برداری از دانش وارد نشده است، اما مقدماتی فراهم شده است».



برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز در این خصوص اظهار داشتند که دانشگاه شهید باهنر کرمان در ویژگی بهره‌برداری از دانش ضعیف عمل کرده و از دانش موجود، بهره‌برداری به معنای واقعی آن صورت نپذیرفته است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ در این خصوص معتقد بود: «دانشگاه شهید باهنر کرمان تولید دانش ندارد که بخواهد تجاری‌سازی کند، چون دچار پارادایم‌زدگی است و پارادایم‌هایی را که دیگران تولید کرده‌اند منتقل می‌کند». مصاحبه‌شونده شماره ۷ نیز در این باره گفت: «ویژگی بهره‌برداری از دانش در دانشگاه‌های کشور ما ضعیف است. دانشگاه شهید باهنر در فضای درون دانشگاه و بیرون دانشگاه از تخصص دانشگاهیان حتی به صورت حداقلی هم استفاده نمی‌کند و اگر هم استفاده‌ای باشد، به صورت خیلی ناچیز و بدون سیستم و نامنظم است. دانشگاه شهید باهنر کرمان صرفاً به عنوان یک کارخانه تولید مدرک است و افراد دانشگاهی به صورت تخصصی با سیستم غیر دانشگاهی ارتباطی پیدا نمی‌کنند». مصاحبه‌شونده شماره ۲ نیز در این درباره بیان داشت: «دانشگاه شهید باهنر کرمان در تعامل جامعه و صنعت ضعف دارد و به مرحله تکنولوژی نرسیده است. در واقع، میزان تولید علم ارتباطی به میزان خلق ابداعات و تکنولوژی‌های جدید ندارد».

۲. رقابت بین‌المللی: در زمینه قابلیت رقابت بین‌المللی، تقریباً بیشتر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان ضعیف عمل کرده است. مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد بود: «چیزی که در حوزه رقابت بین‌المللی مهم است، این است که ما چقدر می‌توانیم دانشجوی خارجی جذب کنیم که متأسفانه، دانشگاه شهید باهنر کرمان در این مورد ضعیف است، اما در حوزه جذب منابع و قراردادهای بین‌المللی تا حدودی فعال‌تر شده است. رقابت بین‌المللی سطح بین‌المللی می‌خواهد، اما چون دانشگاه شهید باهنر کرمان ویژگی‌هایی در سطح بین‌المللی ندارد، در حوزه رقابت بین‌المللی هم ضعیف است». مصاحبه‌شونده شماره ۶ نیز در این باره معتقد بود: «متأسفانه، کشور بر اساس مقاله به سطح دانشگاه نگاه می‌کند و تعداد مقالات باعث افزایش سطح دانشگاه می‌شود و رویکرد، مقاله محور است. فرصت‌های مطالعاتی تشویق نمی‌شوند و بورسی برای موضوعات طراحی نمی‌شود. باید ترتیبی فراهم شود که استادان بتوانند از بورس خارج از کشور استفاده کنند تا این قابلیت افزایش یابد».

برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز اعتقاد داشتند که دانشگاه شهید باهنر کرمان به سطح رقابت بین‌المللی نرسیده و آنچه بوده، فقط حضور و شرکت در عرصه‌های بین‌المللی بوده است. حضوری که دانشگاه شهید باهنر کرمان در عرصه بین‌المللی داشته، عمدتاً در حوزه مقالاتی بوده است که اعضای هیئت علمی در مجلات خارجی و بین‌المللی چاپ کرده‌اند. با این حال، به گفته مصاحبه‌شوندگان شماره ۱، ۳ و ۱۰، دانشگاه شهید باهنر کرمان در سطح بین‌المللی حضور دارد، اما این حضور باید هدایت شده و به گونه‌ای باشد که در نهایت، به نفع جامعه و صنعت باشد. این دانشگاه در تولید علم جهش‌هایی داشته است، اما تولید مقالات علمی باید کاربردی شوند.

۳. انجام دادن تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای: در زمینه برخورداری بودن دانشگاه شهید باهنر کرمان از این ویژگی مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد بود: «دانشگاه شهید باهنر کرمان در این حوزه وضعیت نسبتاً خوبی دارد و در این زمینه فعال است. برای مثال، رشته نانو که مهندسی شیمی و زیست و معدن و... در آن

کار می‌کنند و رشته‌هایی مثل آموزش ریاضی که حاصل تلفیق ریاضی و تعلیم و تربیت هستند، نمونه‌هایی از رشته‌های میان‌رشته‌ای هستند».

برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که در حوزه اجرای تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای، دانشگاه شهید باهنر کرمان ضعیف عمل کرده است و معمولاً رشته‌ها به صورت جدا و مجزا از یکدیگر کار می‌کنند. در واقع، به صورت جزیره‌ای، هر رشته در حوزه خودش کار می‌کند و در آن کار تیمی در رشته‌های مختلف وجود ندارد. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این خصوص بیان داشت: «دانشگاه شهید باهنر کرمان در حوزه تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای ضعیف است و کار چندان در این حوزه ندارد و دلیل آن هم نبود زیرساخت آماده برای مشارکت بین‌رشته‌ای است. به دلیل اینکه همه چیز در دانشگاه از طریق آیین‌نامه‌های ارتقای استادان تعیین مرز می‌شود و در این آیین‌نامه‌ها هیچ جایگاهی به گفت‌وگوها و فضاهای خارج از امتیازدهی و نمره‌دهی داده نشده است و هر بخش برای خود جزیره‌ای جداگانه است». مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ معتقد بود: «در حوزه تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای، علی‌رغم اینکه بستر فیزیکی مناسبی در دانشگاه شهید باهنر کرمان وجود دارد، این تحقیقات در عمل بسیار ناچیز هستند. در دانشگاه استادان بخش‌های مختلف به راحتی به یکدیگر دسترسی دارند، اما در عمل، جداگانه عمل می‌کنند».

۴. کارآفرینی: در خصوص میزان بهره‌مندی دانشگاه شهید باهنر از این ویژگی بیشتر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان دانشگاهی کارآفرین نیست، زیرا کارآفرینی نیاز به ساختارهای چندجانبه دارد که در حال حاضر، این ساختارها در این دانشگاه دیده نمی‌شوند. بنا بر نظر این مصاحبه‌شوندگان، دانشگاه شهید باهنر کرمان صرفاً دانشگاه مدرک‌آفرین است و هنوز نتوانسته است به درجه کارآفرینی دست یابد. این دانشگاه ارتباط سیستمی با جامعه و صنعت ندارد و این یکی از موانع کارآفرینی محسوب می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این زمینه اظهار داشت: «دانشگاه شهید باهنر کرمان در حوزه کارآفرینی در شرایط مطلوبی نیست، اما برنامه‌ریزی‌هایی در این حوزه صورت گرفته است. باید دروس کارآفرینی و دوره‌های خاص کارآفرینی ایجاد شود و مرکز رشد و نوآوری در دانشگاه ایجاد شود و توسعه یابد. تنها در محدود رشته‌هایی در این دانشگاه کارآفرینی به صورت محدود دیده می‌شود». مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ در این خصوص گفت: «سال‌ها پیش طرحی به نام طرح کارا (در حوزه کارآفرینی در دانشگاه) اجرا شده است، اما متأسفانه، طرحی ناموفق و ورشکسته بوده است. اینکه دانشگاه شهید باهنر دانشگاهی کارآفرین نیست را می‌توان در خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلانی دید که هیچ کاری بلد نیستند». مصاحبه‌شوندگان شماره ۱، ۳، ۸ و ۱۰ نیز در این خصوص معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان تا حدودی به کارآفرینی توجه کرده و قدم‌هایی نیز در این زمینه برداشته است و حتی پتانسیل کارآفرین شدن را هم دارد. حتی این دانشگاه با بعضی از ارگان‌ها، هم در زمینه صنعتی و هم مطالعات انسانی، ارتباطاتی داشته است که به ایجاد طرح‌هایی در زمینه کارآفرینی منجر شده است.

بر اساس نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، کمیته‌گرایی در پذیرش دانشجو و در مواردی آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا، بر استادان این دانشگاه اثر منفی گذاشته است که امید به برخورداری دانشگاه از ویژگی کارآفرینی را کمرنگ می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این خصوص بیان داشت: «در دانشگاه شهید باهنر کرمان رویکرد کارآفرینی وجود ندارد و حتی کارآفرینی رویکرد وزارت علوم هم نبوده است. حتی استادان هم در حوزه کارآفرینی آموزش نمی‌بینند. این دانشگاه بجز در رشته‌های کاربردی که الزاماً بعد از فارغ‌التحصیلی منجر به تولید می‌شوند، مثل کشاورزی و دامپزشکی، به حوزه کارآفرینی وارد نشده است».

۵. دانشگاه وابسته به شبکه (نت): مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این باره معتقد بود: «دانشگاه شهید باهنر کرمان از لحاظ زیرساختی از ویژگی دانشگاه وابسته به شبکه برخوردار است و اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌صورت انفرادی هم از این زیرساخت استفاده می‌کنند». بنا بر نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱، پهنای باند دانشگاه شهید باهنر کرمان نسبت به چند سال گذشته چندین برابر شده و خدمات به‌طور کامل ارائه می‌شود و سرمایه‌گذاری بسیار زیادی برای زیرساخت‌های نت صورت گرفته است. دانشگاه به بانک‌های اطلاعاتی جهانی دسترسی دارد، اما بیشتر دریافت کننده داده است.

همچنین مصاحبه‌شوندگان شماره ۲، ۳ و ۶ معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان در این حوزه ضعیف است، زیرا امکانات این دانشگاه در این خصوص محدود است. شبکه جهانی وب بسیار وسیع و گسترده است، اما پهنای باند در کشور ایران بسیار ضعیف است و به تبع آن، دانشگاه شهید باهنر کرمان نیز در حوزه دسترسی به اطلاعات با کیفیت و با ارزش ضعیف است و هنوز به بسیاری از بانک‌های اطلاعاتی خاص و مهم مجهز نیست.

۶. سازمان چندفرهنگی با طیف متنوعی از دانشجویان: مصاحبه‌شوندگان شماره ۸، ۱۳ و ۱۵ معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان در این زمینه نسبتاً خوب است و تنوع فرهنگی خوبی در این دانشگاه وجود دارد، اما این تنوع فرهنگی فقط در سطح داخلی است و از نظر خارجی بجز تعداد محدودی دانشجو از کشورهای همسایه مثل افغانستان و پاکستان، تنوع فرهنگی دیده نمی‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این باره معتقد بود: «در دانشگاه شهید باهنر کرمان دانشجویانی با طیف فرهنگی متنوع وجود دارند، اما فقط حضور فیزیکی دارند و این‌گونه نیست که بتوانند ذخایر فرهنگی خودشان را در زندگی حال دانشگاه وارد سازند. دانشگاه هم زمینه مناسبی برای زندگی چندفرهنگی فراهم نیاورده است. ممکن است تعداد محدودی دانشجوی خارجی حضور فیزیکی داشته باشند، ولی اینکه بتوانند زندگی فرهنگی خود را در دانشگاه متجلی کنند و محیط دانشگاه به آنها پاسخ بدهد، وجود ندارد».

تقریباً بقیه مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که به دلایل متعدد دانشگاه شهید باهنر کرمان از نظر برخورداری از ویژگی سازمان چندفرهنگی با طیف متنوعی از دانشجویان ضعیف است، از جمله ضعف دانشگاه از نظر تسلط به زبان انگلیسی، مشکلات در بعد آموزشی و قوانین و مقررات و ارتباط بین کشورها، تأکید به سیاست بومی‌گزینی در دانشگاه، دشوار بودن یادگیری زبان فارسی و وقتگیر بودن آموزش آن، تکثرگرا نبودن نظام آموزشی دانشگاه و در نتیجه، ضعف در پذیرش فرهنگ‌های متنوع و شناخته شده و

نبودن دانشگاه شهید باهنر کرمان در سطح بین‌المللی. مصاحبه شونده شماره ۱۰ در این باره اظهار داشت: «دانشجویان خارجی در دانشگاه شهید باهنر کرمان زیاد نیستند. این مسئله ممکن است به این دلیل باشد که رشته‌های خوبی که در دانشگاه‌های جهان از سطح بالایی برخوردارند، در این دانشگاه وجود ندارد و شاید سطح این رشته‌ها نیز از جایگاه لازم برخوردار نیست».

۷. بین‌المللی بودن: از نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان دانشگاه شهید باهنر کرمان دانشگاهی بین‌المللی نیست، زیرا سیاست‌های کلان این دانشگاه، سیاست‌های باز، مبادله‌ای و تعاملی نیست و سازوکار لازم را برای برخورداری از این ویژگی در اختیار ندارد. گرچه این دانشگاه در سطح بین‌المللی در همایش‌هایی شرکت داشته و مقالاتی را وارد عرصه بین‌المللی کرده است و حتی تفاهمنامه‌هایی با بعضی از دانشگاه‌های خارجی دارد، اما باز هم به دلیل موانع زبان و امکانات ارتباطی و نبود ارتباطات بین‌المللی و استادان بین‌المللی، نمی‌توان این دانشگاه را بین‌المللی تلقی کرد. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این باره گفته است: «در دانشگاه شهید باهنر کرمان، در برخی از دانشکده‌ها، در راستای ویژگی بین‌المللی اقداماتی شده و خود دانشگاه هم در این زمینه تشویق‌هایی را انجام داده است، اما متأسفانه، الزامی در کار نبوده است و در کرمان شعبه دیگر دانشگاه‌های خوب دنیا را نداریم».

مصاحبه‌شوندگان شماره ۱، ۴ و ۱۰ نیز معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان از نظر بین‌المللی بودن در سطح خوبی است و در حال پیشرفت در این مسیر است. این دانشگاه تفاهمنامه‌های همکاری علمی، تحقیقاتی و آموزشی با دانشگاه‌های اتریش، آلمان و... دارد. همکاری آموزشی به معنای تبادل دانشجو است دانشجویان این کشورها یک دوره مطالعاتی را در دانشگاه شهید باهنر کرمان بگذرانند. در حال حاضر، دانشگاه شهید باهنر ارتباطات بین‌المللی خود را افزایش داده است و در کنفرانس‌های تحقیقاتی شرکت دارد. بزرگ‌ترین شاخصه بین‌المللی بودن از نظر وزارت علوم، جذب دانشجوی خارجی است که دانشگاه شهید باهنر کرمان باید بتواند در این حوزه توسعه بیشتری پیدا کند.

۸. استقلال: تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دانشگاه شهید باهنر کرمان و همه دانشگاه‌های کشور تابع سیاست‌های کلی وزارت علوم هستند و بودجه اصلی آنها از طریق دولت تأمین می‌شود و به همین دلیل از نظر مالی، سیاسی و عقیدتی هم کاملاً وابسته به دولت هستند. حتی استادان هم استقلال آموزشی و پژوهشی ندارند. درواقع، دانشگاه جزئی از نظام آموزش ملی است و نظام آموزشی دانشگاه شهید باهنر مستقل نیست و حتی نهادهای تصمیم‌گیر آن هم متنوع‌اند. با وجود این، دانشگاه تا حدودی می‌تواند از طریق هیئت‌امناها و هیئت‌ممیزه موجود استقلال داشته باشد و در حوزه‌های جزئی‌تر و بر اساس نیاز خود آموزشی را طراحی کند و آن را پیش ببرد. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این باره اظهار داشت: «دانشگاه‌ها از لحاظ سیاسی و اقتصادی پایین‌ترین میزان استقلال را دارند، زیرا بودجه اصلی دانشگاه از طریق دولت تأمین می‌شود». به نظر مصاحبه‌شونده شماره ۵ دانشگاه‌ها وابستگی بودجه دارند و لازمه استقلال دانشگاه استقلال مالی است. دانشگاه باید بتواند سرمایه جذب کند و ایده‌هایش را به فروش بگذارد و از محل‌های مختلف برای خودش بودجه ایجاد کند. هر چه دانشگاه بتواند بودجه غیردولتی خود را افزایش

دهد، استقلال عمل بیشتری هم خواهد داشت. در نهایت، از شرکت‌کنندگان در مصاحبه سؤال شد که چه راهکارهایی را برای دستیابی سریع‌تر دانشگاه شهید باهنر کرمان به ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم پیشنهاد می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال به موارد زیادی اشاره کردند که در پنج مقوله اصلی و فرعی دسته‌بندی شدند:

۱. زمینه‌سازی برای نهادینه شدن تفکر کارآفرینی در دانشگاه. دانشگاه شهید باهنر کرمان برای تبدیل شدن به دانشگاه نسل سوم باید سازوکار لازم را برای ایجاد کارآفرینی در دانشگاه فراهم آورد و بتواند فرهنگ کارآفرینی را در دانشگاه نهادینه سازد.

۱.۱. ایجاد زمینه‌ای مناسب برای مهارت‌افزایی در قالب دوره‌های آموزشی. مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این باره معتقد بود: «دانشگاه باید بتواند دانش را با مهارت تلفیق کند و تمایل و انگیزه دانشجویان را برای مهارت‌آموزی افزایش دهد».

۲.۱. تغییر نظام آموزشی و حرکت به سمت کاربردی کردن پژوهش‌ها. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که دانشگاه باید بتواند نتایج پژوهش‌ها را کاربردی کند و محصول آن را به جامعه بدهد.

۲. استقلال سیاسی و اقتصادی دانشگاه. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این باره اظهار داشت: «دانشگاه باید نهادی خودگردان و خوداتکا باشد و بودجه‌اش را از مشتریان علم تأمین کند. باید به‌گونه‌ای باشد که کسانی که نیاز به تحصیل دارند، در دانشگاه‌ها تحصیل کنند و در قبال آن شهریه بدهند یا نهادهایی خارج از دانشگاه باشند که شهریه دانشجویان مستعد را بر عهده بگیرند». مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ نیز معتقد بود: «دانشگاه نباید اجازه دهد که نهادهای قدرت در کارش مداخله کنند».

۱.۲. از بین رفتن تمرکزگرایی و افزایش اختیارات دانشگاه. مصاحبه‌شونده شماره ۱ در این باره اظهار داشت: «دانشگاه باید بتواند در زمینه‌های مختلف از نظر مالی و آموزشی و پژوهشی به‌صورت مستقل عمل کند و تحت سلطه دولت و جناح‌های سیاسی نباشد».

۲.۲. از بین رفتن بوروکراسی و برقراری دموکراسی در دانشگاه. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این باره بیان داشت: «در دانشگاه نباید نگاه از بالا به پایین وجود داشته باشد. در واقع، باید در دانشگاه نظام تصمیم‌گیری از پایین به بالا باشد و از حلقه‌ها و شبکه‌های دانشجویان و کارمندان تصمیم‌سازی و فرایندسازی شود».

۳. ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه. مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این خصوص بیان کرد: «باید دیوار بین جامعه و دانشگاه برداشته شود و جامعه نیازهای خود را مشخص کند و به دانشگاه اعلام نماید». بنا بر نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، دانش‌آموختگان دانشگاه باید به صنعت وارد شوند و آموخته‌های خود را کاربردی کنند.

۱.۳. زمینه‌سازی برای اجرای طرح‌های مشترک با مؤسسات خارج از دانشگاه صورت گیرد.

- ۲.۳. روش‌های تدریس و ارزشیابی مبتنی بر توانمندسازی دانشجویان برای همکاری در حل مشکلات جامعه باشد.
۴. حمایت از تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش فرصت‌های مطالعاتی. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این باره اظهار داشت: «دانشگاه باید با دانشگاه‌های موفق در سطح جهان به تبادل استاد و دانشجو بپردازد و در قالب فرصت‌های مطالعاتی از موفقیت‌های این دانشگاه‌ها برای توسعه خود استفاده نماید».
- ۱.۴. ایجاد امکانات زیربنایی برای ارتباطات بین‌المللی.
- ۲.۴. حمایت و پشتیبانی از اعضای هیئت علمی در حوزه پژوهشی و سفرهای خارجی. به گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، دانشگاه باید بودجه لازم را برای پژوهش و فرصت‌های مطالعاتی در اختیار استادان و اعضای هیئت علمی بگذارد.
- ۳.۴. تعامل با مؤسسات حامی اجرای فعالیت‌های مشترک بین‌المللی.
- ۴.۴. ایجاد انگیزه برای تولید مقالات پر استناد در سطح بین‌المللی.
- ۵.۴. تسلط مدیران و استادان به زبان انگلیسی. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اتفاق نظر داشتند که همه مدیران و اعضای هیئت علمی دانشگاه باید به زبان بین‌المللی تسلط داشته باشند.
۵. به‌روزرسانی دانشگاه. به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان دانشگاه باید همواره از تمام جهات به‌روزرسانی و نو شود و در جریان تغییرات و نقاط ضعف خود باشد و سعی در جبران و برطرف کردن نقاط ضعف خود کند.
- ۱.۵. پالایش کلیه سرفصل‌های دروس. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این زمینه معتقد بود: «دروس باید به سمت کاربردی و مهارت‌افزایی پیش بروند، پس باید سرفصل‌های دروس مورد تجدید نظر قرار بگیرند».
- ۲.۵. تجدید نظر در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی.
- ۳.۵. ایجاد ساختارهای زیربنایی نت.
- ۴.۵. گسترش کار تیمی در حوزه داخلی و خارجی.
- ۵.۵. تدوین برنامه علمی و عملی همه‌جانبه و مبتنی بر نیازها و ضرورت‌ها و نظارت بر حسن اجرای برنامه.

### بحث و نتیجه‌گیری

سیر تحول نهاد دانشگاه از زمان شکل‌گیری تا به امروز نشان می‌دهد که ساختارها، کارکردها، مأموریت‌ها، جایگاه و اثرگذاری آن بر محیط و جامعه پیرامون آن پیوسته در حال تغییر، تکوین و تکامل بوده است. اگر در روزگاری دانشگاه صرفاً مکانی برای آموزش معرفت بشری، آن‌هم برای طیف محدودی از افراد جامعه در نظر گرفته می‌شد، امروزه، ساختارها، وظایف و رسالت‌های دانشگاه در سازگاری با تغییرات عظیم زندگی بشر به‌گونه‌ای تغییر یافته است که قابل مقایسه با نقش‌های اولیه تعریف شده برای آن نیست. با این حال، به نظر می‌رسد که چگونگی تغییر، پویایی و سازگاری نهاد دانشگاه و نظام آموزش عالی هر کشور با

ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ارتباط مستقیم دارد و علاوه بر این اثرپذیری، با توجه به نوع ساختار و برنامه‌های خود، بر جامعه نیز اثرگذار است. بر این اساس، ماهیت، مأموریت‌ها و میزان اثربخشی و اثرگذاری آموزش عالی در جوامع توسعه‌یافته تفاوت‌های زیادی با ماهیت، مأموریت‌ها و ساختارهای آموزش عالی در جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته دارد.

از جمله زمینه‌های اثرگذاری متقابل دانشگاه و میزان توسعه یافتگی جوامع، مسئله نسل‌های دانشگاهی و تحول و تغییر در مأموریت‌ها و ساختارهای آموزش عالی جوامع مختلف است. در این رویکرد، دانشگاه به‌عنوان یکی از بازوهای توسعه جوامع در نظر گرفته می‌شود و بنابراین، لازم است که ویژگی‌های خود را به‌گونه‌ای تغییر دهد که همگام با توسعه کشور ارتقا یابد. بر این اساس، طی سالیان متمادی از تشکیل و توسعه دانشگاه در کشورهای مختلف، شاهد تغییر و گوناگونی در وظایف و ساختارهای نظام‌های دانشگاهی در جوامع مختلف بوده‌ایم، تغییراتی که به‌طور عمده در سه نسل دانشگاهی آموزش‌محور، پژوهش‌محور و کارآفرین متبلور شده‌اند. آخرین نسل در حال شکل‌گیری و تکوین نسلی از دانشگاه‌هاست که علاوه بر وظایف سنتی و پیشین دانشگاه، وظیفه استفاده از دانش و عاملیت و اثرگذاری در بازار کار و محیط بیرون از دانشگاه را نیز در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است. نسل سوم دانشگاهی ویژگی‌هایی دارد که برای مأموریت بهره‌برداری از دانش و کارآفرینانه بودن دانشگاه ضروری هستند. این مسئله که دانشگاه‌های کشور ما تا چه اندازه از قابلیت‌ها و شاخص‌های دانشگاه نسل سوم برخوردارند و چه راهکارهایی برای دستیابی به این ویژگی‌ها پیش روی نظام آموزش عالی ایران قرار دارد، موضوعی است که به شکل موردی در این پژوهش بررسی شد.

بررسی پژوهش‌های داخلی انجام شده درخصوص دانشگاه نسل سوم نشان داد که در بیشتر این پژوهش‌ها بر ویژگی کارآفرینی تأکید شده و به میزان مناسب و به‌طور همزمان به سایر ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم پرداخته نشده است (Safarzadeh et al., 2009; Shahverdiani, 2010; Makki Aal, 2012; Agha, 2007; Kordnaeij et al., 2012). در پژوهش حاضر با بررسی عمیق‌تر ادبیات پژوهش مرتبط با نسل‌های دانشگاهی (Wissema, 2009, 2010; Zuti, & Lukovics, 2017; Gibb et al., 2013; Moore, 2004; Pawlowski, 2009) سوم شامل بین‌المللی بودن دانشگاه، استقلال و خودمختاری دانشگاه در زمینه‌های مالی، برنامه درسی، مدیریتی و مانند آن، قابلیت رقابت بین‌المللی، برخورداری از تحقیقات فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای، تنوع فرهنگی و بهره‌مندی گسترده از شبکه (نت) شناسایی شدند.

بررسی‌ها نشان داد که برخی از دستاوردهای پژوهشی داخلی و خارجی در موضوع شاخص‌های دانشگاه نسل سوم همسو با یافته‌های پژوهش حاضر هستند. در زمینه شاخص استقلال همه‌جانبه دانشگاه، یافته‌ها نشان داد که این شاخص از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم محسوب می‌شود و بدون حرکت به سمت افزایش استقلال دانشگاه از نهاد دولت، مانعی اساسی در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین وجود خواهد داشت. در این خصوص، استقلال مالی دانشگاه در جهت طراحی برنامه‌ها و توسعه دانشگاه مستقل از بودجه

تخصیصی از سوی دولت راه را برای اثرگذاری و ابتکار عمل بیشتر دانشگاه در جامعه و صنعت فراهم می‌سازد. همچنین این اختیار باید به دانشگاه داده شود که برای توسعه رشته‌های تحصیلی خود متناسب با نیاز صنعت و جامعه، محتوای برنامه‌های درسی دانشگاهی را مستقل از برنامه‌های ابلاغی از سوی وزارت علوم تغییر دهد. این استقلال در زمینه‌های دیگری مانند مدیریت دانشگاه نیز ضروری است و زمینه را برای پویایی و تحرک بیشتر دانشگاه در جامعه فراهم می‌کند. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی (Wissema, 2009; Gibb et al., 2013; Enayati & Aalipour, 2014; Moore, 2001; Rahmani Miandehi & Nasrabadi Lavasani, 2004; همسویی دارد. در این خصوص، فروزانفر و همکاران (Forouzanfar et al., 2017) به این نتیجه رسیدند از آنجا که ساختار دولتی کمترین تأثیر را در دانشگاه نسل سوم دارد، حرکت به سمت استقلال دانشگاه در جنبه‌های مختلف (مانند برنامه درسی، منابع مالی، مدیریت و غیره) زمینه را برای برخورداری بیشتر دانشگاه از ویژگی‌های نسل سوم فراهم می‌کند. کوردنائیج و همکاران (Kordnaeij et al., 2012) در پژوهش خود درخصوص برخورداری دانشگاه تربیت مدرس از ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین (نسل سوم) به این نتیجه رسیدند که جذب منابع مالی، تقویت اصل ابتکار عمل و ایجاد ساختار نامتمرکز زمینه را برای حرکت در این جهت فراهم می‌سازد؛ این تلاش‌ها برای تقویت استقلال دانشگاه از وابستگی‌های دولتی قابل تبیین است. اگرچه در این پژوهش‌ها به برخی از جنبه‌های استقلال دانشگاه، به‌ویژه استقلال مالی و درآمدی، بیشتر تأکید شده است، نتایج پژوهش حاضر بر استقلال همه‌جانبه دانشگاه از ساختارهای دولتی به‌عنوان یک ضرورت در شکل‌گیری دانشگاه نسل سوم تأکید دارد؛ استقلالی که در حال حاضر، صرفاً در برخی ساختارها مانند هیئت امنا و هیئت ممیزه مستقر در دانشگاه نمود می‌یابد و تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد. نتایج نشان داد که کارآفرین بودن از منظر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم است. برخورداری از فرهنگ یکپارچه کارآفرینانه در دانشگاه (Clark, 1998) تقریباً در تمام پژوهش‌های انجام شده درخصوص دانشگاه نسل سوم تأکید شده است. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌های داخلی (Kordnaeij et al., 2012; Safarzadeh et al., 2009; Shahverdiani, 2007; Makki Aal Agha, 2010; Wissema, 2009; Gibb et al., 2013) و پژوهش‌های خارجی (Wissema, 2009; Gibb et al., 2013; Zuti, & Lukovics, 2017; Cillo et al., 2015) همسویی دارد. موضوع دیگری که درباره ویژگی کارآفرینی در دانشگاه مطرح می‌شود، توجه و کمک به شکل‌گیری جوامع کارآفرینی دانشجویی در دانشگاه فعال است (Gibb et al., 2013). اسپیرر و همکاران (Sperrer, Müller & Soos, 2016) در این باره معتقدند که هنوز ظرفیت‌های زیادی برای بهبود ماهیت کارآفرینی دانشگاه‌ها به‌ویژه با توجه به ترویج روح کارآفرینی در میان دانشجویان وجود دارد.

مهارت‌آموزی در دانشگاه از دیگر ویژگی‌هایی است که در پژوهش حاضر به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی دانشگاه نسل سوم مطرح شد. ویژگی مهارت‌آموزی به بهترین شکل می‌تواند از طریق برنامه‌های درسی دانشگاه انتقال یابد. بر این اساس، ماهیت برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای تغییر یابد که به جای



انتقال صرف دانش، مهارت‌ها را نیز به دانشجوی آموزش دهد. نتایج پژوهش حسین‌زاده و همکاران (Hoseinzadeh et al., 2018) نشان داد که برای برخورداری از مزایای نسل سوم دانشگاه لازم است که مهارت‌آموزی دانشجویان و اعضای هیئت علمی در کانون راهبردها و سیاست‌های دانشگاه و آموزش عالی قرار گیرد. گیب و همکاران (Gibb et al., 2013) معتقدند که مهارت‌آموزی دانشجویان در دانشگاه نسل سوم باید به‌گونه‌ای توسعه یابد که آنان را برای کار در بازار جهانی آماده سازد. بنت و همکاران (Bennett, Dunne & Carré, 2000) نیز بر طراحی الگوی برنامه درسی در دانشگاه‌ها مبتنی بر مهارت‌آموزی تأکید دارند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تعامل دانشگاه با جامعه از جمله ویژگی‌های پنج‌گانه‌ای است که به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی دانشگاه نسل سوم به‌شمار می‌رود. این یافته با نتایج طیف وسیعی از پژوهش‌ها که بر ارتباط نزدیک دانشگاه با جامعه پیرامون خود در ابعاد مختلف منطبقه‌ای و جهانی تأکید دارند، همسویی دارد (Pawlowski, 2009; Gibb & Hannon, 2006; Wissema, 2009, 2010; Zuti, & Lukovics, 2017; Safarzadeh et al., 2009; Shahverdiani, 2010; Makki Aal Agha, 2007; Kordnaeij et al., 2012).

همچنین خلاقیت و ایده‌پردازی به معنای زایش و پرورش ایده‌های نو در دانشگاه و تقویت برنامه‌های خلاقانه در دانشگاه یکی از ویژگی‌های دیگر دانشگاه نسل سوم بود. بر این اساس، لازم است که دانشگاه از ایده‌های جدید و خلاق دانشجویان و استادان حمایت کند و مراکز رشد و نوآوری را برای تربیت دانشجویان کارآفرین گسترش دهد. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌ها (Gibb & Hannon, 2006; Gibb et al., 2013; Khorsandi Taskooh & Panahi, 2016) همسو است.

به‌طور کلی، نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه شهید باهنر کرمان نشان داد که این دانشگاه در برخی از ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم تا حدی در حال پیشرفت و در برخی دیگر از ویژگی‌ها که تعداد زیادی از آنها را نیز شامل می‌شود، ضعیف است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌کدام از ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم به‌صورت کامل در این دانشگاه وجود ندارد و نمی‌توان آن را دانشگاه نسل سوم در نظر گرفت. بررسی وضعیت فعلی این دانشگاه درخصوص بهره‌مندی از شاخص‌های مطالعه شده نشان داد که این دانشگاه بر آموزش‌محوری متکی و بنابراین، ماهیتاً دانشگاه نسل اولی است. از آنجا که در سال‌های اخیر، اجرای پژوهش و تولید دانش علمی در این دانشگاه افزایش یافته است، برخی از ویژگی‌های دانشگاه نسل دوم را نیز دارد و می‌توان نتیجه گرفت که این دانشگاه، به‌عنوان بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب شرق کشور، در حال گذار از دانشگاه نسل اول (آموزش‌محور) و ورود به نسل دوم (پژوهش‌محور) است و با اینکه تا اندازه‌ای از برخی شاخص‌های دانشگاه نسل سوم برخوردار است، ولی نمی‌توان آن را دانشگاه نسل سوم نامید.

## پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. زمینه‌سازی برای نهادینه شدن تفکر کارآفرینی، تلاش برای استقلال همه‌جانبه دانشگاه (مالی، برنامه درسی و مدیریتی)، گسترش ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه، حمایت از تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی و دانشجویان و به‌روز رسانی دانشگاه در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه زیرساخت‌های شبکه، صورت گیرد؛
۲. در جهت سیاست‌های وزارت علوم، برخی از دانشگاه‌های مناطق ده‌گانه آموزش عالی کشور به‌صورت پایلوت به‌عنوان دانشگاه‌های نمونه کارآفرین مشخص شوند و سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی برای دستیابی و توسعه آنها به سمت برخوردار شدن از ویژگی‌های نسل سوم طراحی و اجرا شود. در این برنامه‌ها از جمله بر تجاری‌سازی دانش، اشتغال‌پذیری و توسعه مهارت‌های دانشجویان برای بازار کار جهانی، پاسخگویی به نیازهای محلی و منطقه‌ای، رقابت‌پذیری، استقلال و خودمختاری مالی دانشگاه تأکید شود؛
۳. بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور شرط ضروری و قطعی دستیابی آموزش عالی کشور به ویژگی‌های دانشگاه نسل سوم است. دانشگاه‌های کشور برای رسیدن به این ویژگی به موضوعاتی مانند تبادل دانشجو، استفاده از اعضای هیئت علمی بین‌المللی در قالب پژوهشگران و استادان مهمان، توسعه شعبه‌های بین‌المللی دانشگاه در نقاط مختلف جهان، مشارکت در پروژه‌های توسعه بین‌المللی، آموزش از دور، ارائه رشته‌ها و مدارک علمی مشترک با سایر دانشگاه‌ها و گسترش موافقت‌های بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها توجه ویژه نشان دهند.
۴. درخصوص توجه به ندای دانشجو در زمینه موضوع کارآفرینی دانشگاه، دانشگاه‌ها زمینه‌های لازم را برای تشکیل و فعالیت جوامع مختلف کارآفرینی دانشجویی در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف فراهم کنند و نهادهای موجود کارآفرینی دانشگاه نیز در همکاری با این تشکلهای و انجمن‌های کارآفرینانه و استارت‌آپ‌ها، حمایت‌های خود را از طرح‌ها و پروژه‌های کارآفرینی در داخل و خارج دانشگاه افزایش دهند.
۵. به‌منظور افزایش تنوع فرهنگی در دانشگاه، در سیاست بومی‌گزینی دانشگاه تجدیدنظر و زمینه‌حمایتی، فرهنگی و علمی برای جذب دانشجویان خارجی و تبادل استاد با سایر دانشگاه‌ها فراهم شود.

## References

1. Altbach, P.G., & Knight, J. (2006). *The internationalization of higher education: Motivations and realities*. The NEA 2006 Almanac of Higher Education. NEA, Washington.
2. Asgharzadeh, N., & Khorasani, A. (2018). A proper model for the language of instruction in Iran's universities in the event of internationalization: Grounded Theory. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23(4), 45-68 (in Persian).

3. Bennett, N., Dunne, E., & Carré, C. (2000). *Skills development in higher education and employment*. Taylor & Francis, Inc., 7625 Empire Dr., Florence, KY 41042.
4. Cillo, V., Caggiano, V., & D'Emilia, C. (2015). Wellbeing and entrepreneurial university. *International Journal of Developmental and Educational Psychology*, 2, 129-136.
5. Clark, B.R. (1998). *Creating entrepreneurial universities: Organizational pathways of transformation (Issues in higher education)*. New York: Elsevier.
6. Desk of Future Studies in Iranian Higher Education (2018). The future of social impact of university in Iran, Panel N. 23. Ministry of Science, Research and Technology, Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE) (in Persian).
7. Enayati, T., & Aalipour, A. (2014). Suggesting a model for the academic humanities spin off incubators, move to the fourth generation university. *Journal of Science and Technology Parks and Incubators*, 10(39), 20-28 (in Persian).
8. Etzkowitz, H. (2003). Research groups as 'quasi-firms': The invention of the entrepreneurial university. *Research policy*, 32(1), 109-121.
9. Farasatkah, M. (2017). *Occasionality of university in Iran: Some new and critical debates on university studies, science research and higher education*. Tehran: Agah (in Persian).
10. Farasatkah, M. (2018). *University and higher education: Global perspectives and Iranian issues*. Tehran: Nashreney (in Persian).
11. Farasatkah, M. (2013). Conceptual framework for futurity oriented university planning. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(3), 1-21 (in Persian).
12. Farasatkheh, M. (2010). A survey of interactions between higher education and other systems of production and services. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 16(3), 45-64 (in Persian).
13. Finn, A., Ratcliffe, J., & Lorcan, S. (2007). *University futures: The direction, shape and provision of higher education in the University of the Future*. Dublin Institute of Technology.
14. Forouzanfar, M.H., Mahmoudabadi, M., & Ziaie Adib, S.M. (2018). The realization of the third generation university: The new challenge for

- entrepreneurship (Case study: Educational, technical and vocational centers of Kerman province). 3th International Conference on Management and Entrepreneurship, Tehran.
15. Gall, M.D., Gall, J.P., & Borg, W.R. (2007). *Educational research: An introduction (8<sup>th</sup> Ed.)*. (A. R. Nasr et al., Trans.). Tehran: SAMT Publications (in Persian).
  16. Gibb, A.A. & Hannon, P. (2006). Towards the entrepreneurial university? *International Journal of Entrepreneurship Education*, 4, 73-110.
  17. Habibi Rezaei, M., & Siahmansouri, Y. (2012). The realization of third generation universities through the development of academic centers. *Journal of Nasha Elm*, 3(1), 43-49 (in Persian).
  18. Hoseinzadeh, F., Firozie, H., & Siahposhtkhachki, A. (2018). Towards the third generation of medical universities. *The Journal of Medical Education and Development*, 12 (4), 239-245 (in Persian).
  19. Kanter, R.M. (1983). *The change masters*. NY City: Simon & Schuster.
  20. Khoinejad, G. (2001). *Research methods in educational sciences*. Tehran: Samt Publications (in Persian).
  21. Khorsandi Taskooh, A., & Panahi, M. (2016). Critical analysis of international university ranking; Policy recommendations for Iran's higher education. *Journal of Iranian Higher Education*, 8(3), 111-136 (in Persian).
  22. Knight, J., & de Wit, H. (2018). Internationalization of higher education: Past and future. *International Higher Education*, 95, 2-4.
  23. Kordnaeij, A., Ahmad, P., Ghorbani, Z., & Niakan Lahiji, N. (2012). Examination the characteristics of the third generation university in Tarbiat Modares University. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5(3), 47-64 (in Persian).
  24. Makki Aal Agha, B. (2007). The role of university in enterprership development. *New Thoughts in Educational Sciences*, 2(4), 115-127 (in Persian).
  25. Mehdi, R. (2015). The status of skill training in third generation universities. *Quarterly Journal of Skill Trainin*, 14, 103-117 (in Persian).
  26. Mian, S.A. (2006, December). Can entrepreneurial university model help Pakistan leapfrog into the knowledge economy? Some reflections.

- In Proceedings of First International Conference on Assessing Quality in Higher Education, Lahore, December (pp. 11-13).
27. Moore, R. (2004). *Education and society: Issues and explanations in the sociology of education*. Cambridge: Polity Press.
  28. OECD (2004). *Education in a new international setting: Curriculum development for internationalization-guidelines for country case study*. Paris: OECD (CERI).
  29. Pawlowski, K. (2009). The 'Fourth Generation University' as a creator of the local and regional development. *Higher Education in Europe*, 34 (1), 51-64.
  30. Rahmani Miandehi, G., & Nasrabadi Lavasani, Z. (2001). University independence in future. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 7(2), 65-102 (in Persian).
  31. Safarzadeh, H., Ahmadi Sharif, M., & Kargarian Marvdasti, G. (2009). *Journal of Technology of Education*, 4(2), 137-151 (in Persian).
  32. Sani, P., & Gharibpour, M. (2012). Management in third generation universities: Entrepreneur University. Third International Conference in Applied Research in Management and Accounting, Thran: Shahid Beheshti University (in Persian).
  33. Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (2016). *Research methods in behavioal sciences*. Tehran: Agah Publications (in Persian).
  34. Sayyari, S., & Gharamaleki, A. (2010). Interdisciplinary studies: Foundations and approaches. *Journal of Islamic Philosophy and Theology*, 43(2), 59-82 (in Persian).
  35. Shahverdiani, S. (2010). Examining the effect of environmental factors on creation and development of incubators centers for universities: A new approach on entrepreneurial university and the relationship between industry and university. *Journal of Industry and University*, 2(7, 8), 45-56 (in Persian).
  36. Sperrer, M., Müller, C., & Soos, J. (2016). The concept of the entrepreneurial university applied to universities of technology in Austria: Already reality or a vision of the future? *Technology Innovation Management Review*, 6(10), 37-44.

37. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2<sup>nd</sup> Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
38. Wissema, J. (2010). Leading the third generation university: Towards a comprehensive management theory of the 3GU. *Wissenschaftsmanagement*, 5, 42-46.
39. Wissema, J.G. (2009). *Towards the third generation university: Managing the university in transition*. USA: Edward Elgar Publishing.
40. Zuti, B., & Lukovics, M. (2017). *'Fourth Generation' universities and regional development*. San Francisco, California. Retrieved from SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3022721>.